رشیدالدین بیدوازی

شاهد، احمد

بدیری‏1»وجهی ندارد و واژهء«پل»تحریف شدهء کلمهء«باران»است و آنگاه از چگونگی سیر این تحریف سخن در میان آورده است.

این تصحیح قیاسی سالها پیش از سوی مرحومان دکتر علی اکبر فیاض و دکتر قاسم غنی انجام شده است.در حاشیهء صفحهء 261 تاریخ بیهقی-که به اهتمام این دو دانشمند در سال 1324 هـ.ش از سوی وزارت فرهنگ به چاپ رسیده‏2،چنین آمده‏ است:[«تا پس از نماز خفتن بدیری»،مقتضی است که مطلبی در ماقبل داشته باشد، محتمل است کلمهء«پل»،«باران»بوده است و تحریف شده.]در حاشیه(پاورقی) صفحهء 341 تاریخ بیهقی(چاپ دانشگاه مشهد)هم اگرچه از تحریف«باران»به«پل» سخن در میان نیامده،اما این احتمال داده شده است که فاعل فعل«بداشت»در جملهء «بداشت از پس نماز خفتن بدیری»کلمهء«باران»است‏3.

تاریخی بیهقی چاپ دانشگاه مشهد،اگرچه دارای حواشی و نکات سودمند تازه‏ای‏ است،لکن متأسفانه تمام حواشی چاپ پیشین(چاپ غنی-فیاض)را دربرندارد. بهمین سبب مراجعه بدان،سبب بی‏نیازی و عدم مراجعهء پژوهنده به چاپ قدیم این اثر نمی‏گردد.گذشته از آن،برای هرگونه اظهارنظر علمی،دست‏کم مراجعهء پژوهنده‏ به تمام چاپ‏های یک متن ضروری است.تکیه کردن به یک متن،گذشته از آنکه بر احتمال‏ لغزش و خطا می‏افزاید،موجب می‏شود تا کوشش‏ها و استنباطهای محققانی که‏ پیشتر در زمینهء یک متن تحقیق کرده‏اند از نظر دور بماند و وقت پژوهنده-که باید در زمینهء تحقیقات تازه صرف شود-صرف پیمودن راههای طی شده گردد.

تا تقدم فضل و فضل تقدم رعایت شود و از آن دو از رگ مرد(دکتر غنی و دکتر فیاض)-که نقد عمر خود را یکسره در راه خدمت به فرهنگ و ادب ایران صرف‏ کردند-نیز یادی کرده آید،این مختصر نوشته شد و نیک پیداست که ذکر این معانی، به هیچ روی،به معنی نادیده گرفتن ارزش استنباط نویسندهء مقالهء مورد بحث نخواهد بود.

اصغر دادبه

آینده.آقای غلامرضایی خود یادآور شدند که سطری از نوشتهء ایشان در جائی که‏ اصل مطلب بوده در چاپ افتاده است.

\*\*\*

رشید الدین بیدوازی

رشید الدین محمد از مشایخ صوفیه در اوکان روستای‏[ (Avitgan) (آویت‏گان)] یکی از نقاط جنوبی اسفراین و شمالی میان دشت اسفراین زاده شد.تألیفات او (1)-شگفت‏است که عبارت مورد بحث را در میان عباراتی که از تاریخ بیهقی در مقالهء آقای‏ غلامرضائی نقل شده است،نمی‏توان یافت.به نظر می‏رسد که این عبارت در چاپ ساقط شده باشد.

(2)-این تصحیح در سالهای اخیر از سوی انتشارات ارغوان(تهران،شاه‏آباد سابق)تجدید چاپ شده است.

(3)-در پاورقی 341 آمده است:«احتمال سهو قلم،قوی است و شاید همین قدر بوده است: و باران بداشت تا پس نماز خفتن بدیری الخ.»

چنین است:

1-ریاض الافیاض در عرفان-نسخه‏ای از این کتاب در هندوستان و عکس آن‏ نزد آقای عطاردی قوچانی دیده شد.

2-مصباح رشیدی که شیخ تاریخ تألیف آن را چنین گفته است:

چون گذشت از هجرت خیر الانام‏ هشتصد و پنجاه و دو این شد تمام

کتاب در سه اصل است:اصل محبت،اصل نیاز و اصل فنا.

نمونه‏ای از ابیات این مثنوی چنین است:

از محبت یافت عالم انتظام‏ و این بنا از دوستداری شد تمام‏ لیک چون آرد محبت جمله‏ای‏ آتش او بر زند خود شعله‏ای‏ عاشق دلسوز را بریان کند خانه هستی از او ویران کند آن محبت هرکرا گیرد ببر همچو تاجش دائما دارد بسر

یک نسخهء خطی کتاب مصباح رشیدی که ظاهرا از زمان سراینده است در کتابخانه‏ شخصی نگارنده موجودست.آن را تصحیح و آمادهء چاپ کرده‏ام.

بیدواز\*در اصل«پدواز»و متضاد پرواز است.این ده کوهستانی و در سی‏ کیلومتری شمال شرقی اسفراین واقع است.

رشید الدین،اسفراین و سایر نقاط ن را میدان جنگ دو برادر جاه‏طلب می‏داند که هردو فرزندان شاهرخ و نامشان شاهزاده میرزا سعید محمد و شاهزاده بابر است. این هردو این سرزمین را بمدت پنج سال بین سالهای 850 هـ.ق تا 855 هـ.ق مورد تاخت‏وتاز قرار داده و قریب بیکصد هزار نفر از مردم بیگناه این شهرستان در جنگ‏ های سه‏گانه این دو که در نقاط میان دشت و اتکان و کوه خروس درمی‏گیرد از بین‏ میروند.دراویش و مردهء بیدوازی بخانقا بیدواز میروند و در همانجا بارشاد اشتغال‏ دارند تا استاد شاگردانی چون شیخ شاه علی بیدوازی و حاجی محمد خبوشانی را تربیت‏ می‏کند.شیخ شاه علی بیدوازی هم داماد اوست و هم جانشین او و در جائی دیگر هم‏ جانشین وی،حاجی محمد خبوشانی آمده است و در رساله کمالیه وضوحا جانشین وی‏ شیخ شاه علی بیدوازی است.بالاخره استاد بمرگ ناگهانی می‏میرد و هنگام وداع و ارتحال‏ بجهان باقی بین پنجاه تا شصت سال عمر داشته زیرا،دربارهء مرگش گفته‏اند:

اقتضای فلک مگر ستم است‏ یا ز استاد این شدش تعلیم‏ قطب الاقطاب شیخ رشید الدین‏ مظهر نور حق و نور جسیم‏ ناگهان عازم جنان گردید کرد رحلت بامر حی قدیم‏ تا برفت از فنا بسوی بقا گشت تاریخ او(بهشت نعیم)

(\*)در مورد وجه تسمیهء بیدواز به نظر می‏رسد که مرکب از بید+واز باشد و واز(-باز)در نام‏های جغرافیایی به معنی جای باز و دره‏باز آمده از جمله در اطراف آمل«واز»موجودست.و دلیل‏ ندارد که«پدواز»باشد.این نام در سیرهء منکبرنی(تصحیح مرحوم مینوی)بی‏نقطه آمده است و پس از اینکه در سفری با قدرت الله روشنی به آنجا رفتم صورت درست کلمه را به مرحوم مینوی‏ گفتم.(ا.ا.)